



HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir	Vol. 54, No. 2: Issue 129, Summer 2022, p.157-189
Online ISSN: 2538-3892	Print ISSN: 2008-9139
Receive Date: 18-01-2021	Revise Date: 31-05-2021
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.68337.1036	Accept Date: 16-06-2021
	Article type: Original

Explaining the position of the jurisprudential rule of *la-haraj* (the fall of unbearable hard task according to habit) in Islamic urban planning

Dr. Asghar Molaei, Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran

Email: a.molaei@tabriziau.ac.ir

Abstract

The rule of *la-haraj* is one of the facilitative jurisprudence rules in Islamic jurisprudence and one of its practical fields is urban life issues. Harassment and hardship in the city can manifest in physical, mental, social and financial forms. The study of this rule in urban life includes issues such as difficulty in commuting due to long distances, lack of pedestrian orientation, traffic disruption, lack of public transportation, difficulty of using spaces for disabled people, noise pollution, congestion, urban floods. The results of the research show that in the Islamic city, the ground for the implementation of divine commandments should be provided and the planning and measures should provide the comfort and peace of Muslims. In the Islamic city, urban problems should be anticipated and taken into account in the process of urban planning, design and management. The application of this rule can have results in facilitating commuting, especially for the underprivileged, the efficiency and comfort of using urban furniture, transit spaces, access and stopping, etc. Also, the ease and well-being mentioned should be a specific achievement for all ages, social groups such as women, children, elderly, etc.

Keywords: rule of *la-harj*, Islamic city, urban life, urban issues, urban spaces, ease of living in the city.



HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir	سال ۵۴ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۲۹ - تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۸۹ - ۱۵۷
شاپا الکترونیکی ۳۸۹۲-۳۵۳۸	شاپا چاپی ۹۱۳۹-۲۰۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.68337.1036	نوع مقاله: پژوهشی

تبیین جایگاه قاعده فقهی لاجرح در شهرسازی اسلامی

دکتر اصغر مولائی

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

Email: a.molaei@tabriziau.ac.ir

چکیده

قاعده لاجرح از جمله قواعد فقهی تسهیل کننده در فقه اسلامی و از جمله زمینه‌های کاربردی آن، مسائل زندگی شهری است. حرج و مشقت در شهر می‌تواند در گونه‌های جسمانی، روحی و روانی، اجتماعی و مالی جلوه‌گر شود. مطالعه این قاعده در زندگی شهری، مسائلی همچون صعوبت و دشواری در رفت‌وآمد به دلیل مسافت‌های زیاد، عدم پیاده‌مداری، اختلال در ترافیک، کمبود حمل‌ونقل عمومی، دشواری استفاده فضاها برای افراد کم‌توان و معلولان، آلودگی صوتی، ازدحام، سیلاب‌های شهری را شامل می‌شود. این جستار در پی تبیین ابعاد و مصادیق قاعده لاجرح در زندگی شهری و جستجوی راهکارهای معطوف به شهرسازی اسلامی است که با روش تحلیل محتوای متن و استدلال منطقی با رویکرد مطالعه بین‌رشته‌ای و با به‌کارگیری شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در شهر اسلامی بایستی زمینه عمل به احکام الهی فراهم شود و برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات آسایش و آرامش مسلمانان را فراهم کند. در شهر اسلامی حرج‌های شهری باید در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری پیش‌بینی و مدنظر قرار گیرند. کاربری این قاعده می‌تواند در تسهیل رفت‌وآمد به‌ویژه برای اقشار کم‌توان، کارایی و راحتی استفاده از مبلمان شهری، فضاهای عبوری، دسترسی و توقف و... نتایجی دربرداشته باشد. نیز سهولت و رفاه مذکور باید برای تمامی سنین، گروه‌های اجتماعی نظیر زنان، کودکان، سالخوردگان و... دستاورد مشخصی دربرداشته باشد.

واژگان کلیدی: قاعده لاجرح، شهر اسلامی، زندگی شهری، مسائل شهری، فضاهای شهری، سهولت زندگی

در شهر.

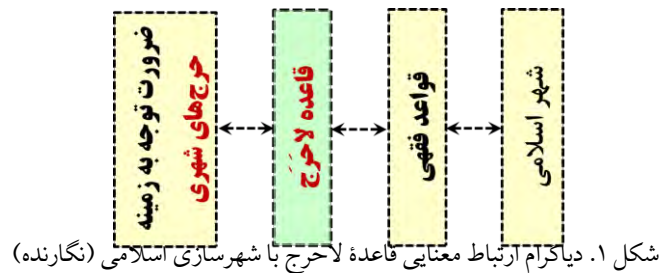
مقدمه

رشد و گسترش شهرها و تبدیل آن به شهرهای پرجمعیت و چندمیلیونی عاملی شد تا بسیاری از مسائل و مشکلات شهری؛ از قبیل مسکن، حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی، جرائم شهری، خشونت و ناآرامی شهری، اعتیاد، مهاجرت و... به صورت حاد پدیدار شوند (محسنی، ۲۵). قاعده عسرو حرج از قوانین اسلامی است و این قانون مانند تمام قوانین دیگر برای رفاه بشر است. بر اساس این قانون، در اسلام هیچ‌گونه سختی و دشواری نیست و دین مبین اسلام برای بشر قوانینی مدون کرده است که افراد در رفاه و آسایش باشند. این موضوع توسط پیامبر و ائمه در احادیث متعدد تأکید و توسط علما، صاحب‌نظران متعدد نیز تفسیر شده است. بررسی این قاعده در زندگی شهری و نمونه موردی شهر تبریز و عوامل مخل آن و نمودهای آسایش در ابعاد مختلف می‌تواند ابعاد طراحی شهری ایرانی-اسلامی را روشن‌تر کند. ضرورت و اهمیت این تحقیق از آنجاست که استناد به مبانی نظری بومی و تلاش به منظور کاربردی کردن آن‌ها می‌تواند موفقیت و تحقق‌پذیری اصول مربوطه را در جامعه افزایش دهد؛ چراکه مبانی بومی با اتصال به احساسات، اندیشه‌ها و اعتقادات ایرانی و اسلامی از نوعی پشتوانه حس و منطق دینی-ملی برخوردار است. از این رو راهکارها و دستورالعمل‌های مستخرج از این مبانی در بین اعضای جامعه، پذیرش و مقبولیت بالاتری در عمل دارد. در این راستا سؤال‌های تحقیق بدین صورت مطرح می‌شوند: رابطه قاعده نفی عسرو حرج و کیفیات محیطی و زندگی شهری چیست؟ جایگاه قاعده نفی عسرو حرج در کیفیات محیطی شهر تبریز چگونه است؟

ابتدا، آیات و احادیث مربوط به قاعده نفی عسرو حرج مطالعه شده است و سپس نظریات علمای اسلام و صاحب‌نظران خارجی و ایرانی درباره کیفیت آسایش و راحتی تحلیل می‌شود. در ادامه با تمرکز موضوع مذکور در مسائل و زندگی شهری و مصادیق و انواع آن در شهر و فضاهای شهری... کیفیت مناسب این مصادیق تعیین می‌شود. در بخش نمونه موردی، تحلیل‌ها و استنتاجات قبلی درباره شهر تبریز اعمال شده است تا با محک اسلامی، وضعیت، علل و راهکارهای مبتنی بر قاعده نفی عسرو حرج ارائه شود.

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه مستقیم و جامعی در خصوص قاعده نفی عسرو حرج در مسائل شهری انجام نشده است. روش تحقیق مقاله حاضر، تحلیل محتوای متن و استدلال منطقی و پژوهش میان‌رشته‌ای است. فرض اولیه تحقیق چنین است شهر اسلامی باید بر اساس احکام و اخلاق اسلامی برنامه‌ریزی، طراحی و احداث شود، به طوری که این عمل بر مبنای احکام، موجبات زندگی توأم با آسایش و آرامش مسلمانان را فراهم آورد. به عبارتی دیگر، شهر ساخته شده (که می‌بایست بر مبنای احکام و اخلاق الهی احداث می‌شد) نباید سبب مشقت، سختی و ضرر مسلمانان باشد که اگر این وضعیت مشقت‌آور پدید آید، با قواعد فقهی، از جمله با قاعده فقهی لاجرح انطباق ندارد. این ضرورت در

دیاگرام شکل یک دیده می‌شود، به طوری که قاعده لاجرح به عنوان یکی از قواعد فقهی در شهر اسلامی می‌تواند با ضرورت توجه به مصادیق و زمینه‌های شهری بررسی، مطالعه و تبیین شود.



۱. مفهوم‌شناسی قاعده لاجرح

حرج در لغت به معنای تنگی، مشقت و ضیق است. اصل حرج و جراح، انباشته شدن و گردآمدن چیزی است، لذا معنای تنگی، سختی و فشار میان اجزای آن چیز مترکم است که تصور می‌شود، سپس هر سختی و گناه را نیز حرج گفته‌اند. خدای تعالی می‌فرماید: «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا» (نساء: ۶۵)؛ سپس در دل‌هایشان احساس ناراحتی نکنند (راغب اصفهانی، ۲۲۶ تا ۲۲۷).

عسر نیز به معنای سختی، معیشت و نقطه مقابل آن یسر است. خدای تعالی فرمود: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح: ۵)؛ پس [بدان که] با دشواری آسانی است. عسره؛ سختی و تنگ‌دلی از نداشتن مال است (راغب اصفهانی، ۵۶۶). معنای فقهی حرج، شدیدتر از عسر است و نسبت میان آن دو، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر حرجی، عسر است؛ ولی هر عسری حرج نیست. ملاک، عسرو حرجی است که شدید و عادتاً تحمل‌ناپذیر باشد. یسر نیز واژه مرتبلی است که معنای لغوی آن آسانی، توانگری و راحتی (مقابل عسر) است و معنای فقهی آن ملاک، عسرو حرج شخصی (عسرو حرجی که شخص خاص نتواند آن را تحمل کند) است، نه عسرو حرج نوعی (عسرو حرجی که نوع مردم نتوانند آن را تحمل کنند) که تکلیف مالا یطاق است.

جدول ۱. معنای لغوی و فقهی عسرو حرج (یافته‌های تحقیق)

واژه	معنی لغوی	معنی فقهی	مثال / توضیح
حرج	انباشته شدن و گردآمدن چیزی؛ تنگی، سختی و فشار میان اجزای آن چیز	هرگاه تکلیفی مشقت و دشواری شدیدی داشته باشد که تحمل آن عادتاً برای	غسل کردن در سرمای شدید یا روزه ماه رمضان در حق مریض یا پیر

<p>در صورتی که از تحمل عادی آن‌ها فراتر باشد، واجب نیست.</p>	<p>مکلف سخت است، آن تکلیف ساقط می‌شود. سقوط تکلیف شاقّ تحمّل ناپذیر به حسب عادت</p>	<p>متراکم است تصور می‌شود، سپس هر سختی و گناه را نیز حَرَج گفته‌اند.</p>	
<p>دارای مشقت زیاد است، به گونه‌ای که از نظر عرف تحمل‌شدنی نیست.</p>	<p>خرج شدیدتر از عسر است و نسبت میان آن دو، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر خرجی عسر است، ولی هر عسری خرج نیست. ملاک، عسر و خرجی است که شدید و عادتاً تحمل‌نشدنی باشد.</p>	<p>عسر نیز به معنای سختی، معیشت و نقطه مقابل آن یسر است</p>	<p>عسر</p>
<p>گاهی کاری مقدور است و موجب به هم ریختن نظام هم نیست، ولی سبب ضرر و زیان می‌شود؛ این گونه کارها مشمول قاعده لاضرر است.</p>	<p>ملاک، عسر و خرج شخصی (عسر و خرجی که شخص خاص نتواند آن را تحمل کند) است، نه عسر و خرج نوعی (عسر و خرجی که نوع مردم نتوانند آن را تحمل کنند).</p>	<p>آسانی؛ گشایش، سهولت</p>	<p>یسر</p>

بدون تردید یکی از کارآمدترین و مهمترین قواعد فقهی به لحاظ کاربرد فراوان آن در ابواب مختلف فقه، قاعده نفی حرج است (علوی گنابادی و حبیبی مهر، ۷۵). منظور از فعل حرجی، عمل مشقت‌زایی است که اولاً از حد توان مکلف خارج نباشد؛ ثانیاً سبب اختلال نظام نشود؛ ثالثاً سبب واردشدن ضرر بدنی و مالی نشود (مکارم شیرازی، ۱۶۰/۱). بر اساس قاعده نفی حرج، هر حکمی در شریعت که امثال آن سبب سختی و مشقت فراوان برای مکلف شود، برداشته شده است (بجنوردی، ۲۵۰/۱؛ به نقل از علوی گنابادی و حبیبی مهر، ۷۵). حرج مفهومی گسترده دارد و سایر واژه‌های مشابه را در بر می‌گیرد. به همین دلیل، قواعد

فقهی ضرورت، اضطرار و ضرر نیز از زیرمجموعه‌های قاعده نفی عسرو حرج خواهند بود (شاهین فرد و دیگران، گستره مفهومی قاعده نفی عسرو حرج، ۶۳).

بر اساس این قاعده، هیچ حکمی در میان احکام الهی وجود ندارد که انجام آن باعث دشواری و سختی مکلف شود، بدین معنا که احکام به‌عنوان قضایای حقیقی و در معنای کلی، سبب عسرو حرج برای مکلف نمی‌شود، لکن ممکن است به‌صورت مصداقی برای افراد موجب حرج شود (همو، شمول‌پذیری قاعده لاجرح، ۲۲۷). فقها در ابواب و موضوعات گوناگون فقهی همچون عبادات، معاملات، خانواده، امور کیفری و مسائل مرتبط با حقوق عمومی به قاعده لاجرح استناد کرده‌اند. کاربرد وسیع استناد به این قاعده در کنار گزارش معناشناختی واژگان مشابه نظیر ضرر و ضرورت و اضطرار؛ تحلیل مفهومی کاربردی‌های گسترده این قاعده و در پی آن، تبیین ارتباط مفهومی حرج با مفاهیم همسوی با آن را ضروری می‌سازد (همو، گستره مفهومی قاعده نفی عسرو حرج، ۴۸). قاعده لاجرح نه تنها در موارد حرج جسمانی کاربرد دارد، بلکه در حرج‌های غیرجسمانی مثل حرج روحی‌روانی، حرج اجتماعی، حرج اقتصادی و حرج حیثیتی و... نیز کاربرد دارد (همو، شمول‌پذیری قاعده لاجرح، ۲۲۶).

۲. قاعده نفی عسرو حرج: مبانی قرآنی و احادیث

شریعت اسلامی بر حالت یسره «وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵)؛ برای شما دشواری نمی‌خواهد و نفی حرج «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُم فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸)؛ در دین بر شما سختی قرار نداده است، مبتنی است. بر این اساس، اراده خداوند بر آن است که زندگی انسانی بنا بر اصل راحت و بی‌مشکل باشد. خداوند در آیه ۷۸ سوره حج، آیه ۱۸۵ سوره بقره و آیه ۶ سوره مائده بر آسانی در تکالیف و نفی دشواری، نفی سختی در زندگی برای انسان‌ها و تنگ‌نگرفتن بر انسان‌ها تأکید می‌کند.

جدول ۲. آیات مربوط به قاعده نفی عسرو حرج

مشخصات	متن عربی	ترجمه فارسی	کلید واژه
بقره: ۱۸۵	شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى... يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...	ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است... خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد تا شماره	آسانی در تکالیف و نفی دشواری برای انسان‌ها از طرف خداوند

	[مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه شما را هدایت کرده است به بزرگی بستاید و باشد که شکرگزاری کنید.		
تکلیف به اندازه توان انسان	خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند.	لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا	بقره: ۲۸۶
نفی سختی در زندگی برای انسان‌ها از طرف خداوند	و در راه خدا چنان که حق جهاد [در راه] اوست، جهاد کنید. اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است]... .	وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةً	حج: ۷۸
تنگ نگرند بر خداوند انسان‌ها	خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند. باشد که سپاس [او] بدارید.	" مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُنِيمَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ "	مائده: ۶
دعا بر آسانی امورات	و کارم را برآیم آسان ساز	وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي	طه: ۲۶
دشواری با آسانی	پس [بدان که] با دشواری آسانی است (۵) آری با دشواری آسانی است (۶)	فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶)	انشراح: ۵ و ۶

واقعۀ: ۸۹	فَرُوحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ	[در] آسایش و راحت و بهشت پر نعمت [خواهد بود]	آسایش و راحتی در بهشت
-----------	---------------------------------------	---	-----------------------------

با مطالعه کتاب نهج البلاغه که مجموعه خطبه‌ها، سخنان و نامه‌های امام علی (ع) است، می‌توان اشاره‌ها و نکاتی مربوط به آسایش و راحتی را ملاحظه کرد. در حکمت ۳۱۸، آسایش و راحتی در قبال اکتفا، به مقدار نیاز بیان شده است که زمینه‌ساز گشایش و آرامش است. امام علی (ع) در خطبه ۱۳۱ نیز اصلاح در شهرها را به‌عنوان مقصد و هدفی والا برای حکومت از طرف خداوند می‌فرماید. در نامه ۵۳، خطاب به مالک‌اشتر به آبادکردن شهر بیشتر از ستاندن خراج و آسوده‌کردن و اطمینان‌بخشی به مردم در راستای عدالت تأکید شده است. در این بیانات که گستره‌ای وسیع در ابعاد فردی، اجتماعی، مدیریتی و حکومتی را شامل می‌شود، تحقق آسایش و راحتی فردی و اجتماعی از یک طرف و وظیفه‌ای برای تمامی انسان‌ها و از طرف دیگر وظیفه حکومت است. در جدول ۴ که خلاصه این موضوع را ارائه می‌کند، می‌توان برای طراحی شهری چنین استنتاج کرد: رعایت حقوق شهروندی در زندگی شهری توسط مردم (همچون استفاده از خودروی شخصی، مصرف انرژی، خرید و مصرف کالا و تولید زباله و...) و آبادانی شهری توسط مدیریت شهری (همچون ارتقای کیفیت فضاهای عمومی و سبز شهری، پیاده‌مداری و تأمین رضایتمندی مردم) (تابنده، ۱۲).

جدول ۳. بررسی موضوع نفی حرج در نهج البلاغه

مشخصات	متن عربی	ترجمه فارسی	کلید واژه / ارتباط با طراحی شهری
نهج البلاغه، حکمت ۳۱۸	«من اقتصر علی بلغه الکفاف فقد انتظم الراحة، و تبوا خفض الدعاه»	هر که به مقدار نیاز اکتفا کند، آسایش و راحتی خود را فراهم آورد و گشایش و آرامش را به دست آورد.	فراهم آوردن رفاه و آسایش و تحقق گشایش و آرامش (آسایش و راحتی

<p>زمینه‌ساز آرامش و گشایش): رعایت حقوق شهروندی در زندگی شهری (همچون استفاده از خودروی شخصی، مصرف انرژی، خرید و مصرف کالا و تولید زباله و...)</p>			
<p>امنیت یکی از پایه‌های شهر اسلامی</p>	<p>بدترین شهر، شهری است که در آن امنیت نباشد.</p>	<p>سَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ.</p>	<p>خطبه عیون الحکم و المواعظ</p>
<p>اصلاح در شهرها؛ عمران و آبادی سرزمین‌ها و تأمین شراقت‌مندان و</p>	<p>مقصد ما آن است که اصلاح را در شهرهای تو (ای خدا) آشکار نماییم.</p>	<p>«... و نظهر الاصلاح فی بلادک»</p>	<p>نهج البلاغه: خطبه ۱۳۱</p>

<p>کرامت مدارانه مردمان به عنوان اهداف حکومت: اصلاح و هدایت شهرها و مردمان آن</p>			
<p>آبادسازی شهرها و آسوده کردن مردم و به دست آوردن اطمینان آن‌ها: آبادانی شهری توسط مدیریت شهری (همچون ارتقای کیفیت فضاهای عمومی و تأمین رضایت‌مندی مردم)</p>	<p>باید نگرستن به آبادانی زمین بیشتر از ستاندن خراج باشد که ستاندن خراج جز به آبادانی میسر نشود و آن که خراج خواهد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند... از آسوده ساختن خاطر آنان و به دست آوردن اطمینان که به عدالت تو خو گرفته اند و...</p>	<p>نامه ۵۳ عهدنامه مالک اشتر</p>	

موضوع نفی عسرو حرج در احادیث پیامبران و امامان شیعه نیز توصیه‌های مؤکدی داشته است. روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم دلالت بر نفی احکام حرجی از عهده مسلمانان دارد. امام جعفر صادق (ع) به نقل از رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «... ان الله تعالی کان اذا بعث نبیا قال له

اجتهد فی دینک و لاجرح علیک و اَنَّ الله تعالی اعطی امتی ذلک حیث یقول ما جعل علیکم فی الدین من حرج». حدیث دیگر حدیث رفع است که «ما لایطیقون» را از عهده امت برداشته است (کلینی، ۲۰۴). این امر همان طوری که در جدول شماره ۴ بیان شده است. پیامبر اسلام، دین اسلام را به عنوان آیین سهل و آسان معرفی می نماید. امام صادق(ع) و امام باقر(ع) نیز در پاسخ به سؤالاتی مربوط به شرایط سخت و دشوار، احکام دینی را به سهولت و آسانی برای مسلمانان تبیین می کنند (تابنده، ۱۴).

جدول ۴. بررسی موضوع نفی حرج در احادیث گزیده پیامبر و امامان (موسوی، ۵۰ تا ۳۴)

کلید واژه	متن عربی / فارسی	
آئین سهل و آسانی	«بعثت علی الشریعة السمحة السهلة» (من مبعوث به آئین سهل و آسانی شده ام)	پیامبر اسلام (ص)
تنگ نگرستن در دین؛ دایره وسیع تر دین اسلام	صحیحة بنظی: امام باقر(ع) فرمودند: همانا گروه خوارج از روی نادانی که داشتند بر خودشان تنگ گرفتند، دین وسیع تر از آن است و حدیث مشهور نبوی: «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفَةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ»؛ یعنی مبعوث شدم به دین حنیف سهل و آسان.	امام باقر(ع)
نفی حرج در دین اسلام	(روایت عبدالاعلی مولى آل سام). در این روایت راوی به امام صادق(ع) می گوید: کسی به زمین خورده و ناخن وی جدا شده و انگشت خود را با پارچه بسته است، حال چگونه باید وضو بگیرد، امام(ع) می فرمایند: حکم این قضیه و نظایر آن، از کتاب خدا روشن می شود؛ زیرا خداوند فرموده است: در دین برای شما حرجی قرار داده نشده است، پس بر آن مسح کن.	امام صادق(ع)
	ابوبصیر می گوید: از امام صادق(ع) درباره شخص جنبی پرسیدم که دست در ظرف پوستی (شاید مشک) یا سنگی فرو می برد، فرمود: اگر دستش نجس بوده باید آب را بریزد و اگر نجس نبوده با آن غسل کند. چنین مسائلی از کلام خدا «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» فهمیده می شود.	

	<p>روایت فضل بن یسار: از امام صادق(ع) درباره شخصی چنین سؤال شد که آب غسل او به درون ظرف آب، ترشح می‌کند، حضرت فرمود: مانعی نیست (خداوند در دین حرجی بر شما قرار نداده است).</p>
	<p>روایت ابوبصیر از امام صادق(ع) که حضرت در جواب پرسشی درباره چگونگی استفاده از برکه‌ای که آب زیادی در آن جمع شده است و پلیدی‌هایی در آن ریخته شده است، فرمود: "... اخرج الماء بیدک ثم توضأ، فان الدین لیس بمضیق، فان الله یقول: ما جعل علیکم فی الدین من حرج؛ سطح آب را با دست باز کن، آب را بیرون بیاور و وضو بگیر، زیرا اسلام سخت نمی‌گیرد و خداوند می‌فرماید: در دین، حرجی بر شما قرار داده نشده است.</p>

۳. دیدگاه مراجع تقلید درباره اصل نفی حرج

موضوع نفی عسر و حرج در احادیث پیامبران و امامان شیعه نیز توصیه‌های مؤکدی داشته است. این امر همان طوری که در جدول شماره ۶ بیان شده است. پیامبر اسلام، دین اسلام را به عنوان آیین سهل و آسانی معرفی می‌نماید. امام صادق(ع) و امام باقر(ع) نیز در پاسخ به سؤالاتی مربوط به شرایط سخت و دشوار احکامی دینی را به سهولت و آسانی برای مسلمانان تبیین می‌نمایند: (موسوی، ۳۴ تا ۵۰) و (مکارم شیرازی).

جدول ۵. بررسی موضوع نفی حرج از دیدگاه مراجع و علمای اسلامی (همو، همان؛ مکارم شیرازی)

کلید واژه	نظریه / اندیشه	صاحب نظر
تکلیف به هر چیز مشقت‌آور عقلاً محال است.	قاعده نفی عسر و حرج قاعده‌ای عقلی است و بنای عقلاً نیز مؤید آن است؛ چراکه تکلیف به هر چیزی که سبب مشقت باشد عقلاً محال است، زیرا انگیزه تکالیف، اطاعت و انقیاد است.	حر عاملی

<p>نهی سختی و تنگنا در احکام اسلامی</p>	<p>منظور، عدم تشریح حکم ضرری و حرجی است؛ یعنی در اسلام، قانونگذار احکامی را که سبب شود افراد به سختی و تنگنا دچار شوند، وضع نکرده است (فوائد الأصول (رسائل)، ۱/۱۹۶).</p>	<p>شیخ مرتضی انصاری</p>
<p>اتیان حکم حرجی نیز منفی و حرام است.</p>	<p>چنین عبادتی باطل است، بنابراین همچنان که اتیان حکم ضرری، حرام است؛ اتیان حکم حرجی نیز منفی و حرام است.</p>	<p>میرزای نائینی</p>
<p>نهی حکم که اثر و نتیجه آن نفی موضوع</p>	<p>یعنی اینکه با دلیل نفی حرج، ادعای نفی حقیقی موضوع حرجی شده است و در نتیجه، حکم مترتب بر آن نیز نفی می شود. در حقیقت موضوع، به طریق ادعایی نفی شده و به طور غیر مستقیم، نفی حکم که اثر و نتیجه آن است، اراده می شود.</p>	<p>آخوند خراسانی</p>
<p>در احکام و قوانین اسلام، حکم حرجی نیست. نفی سختی و تنگنا در احکام اسلامی</p>	<p>حق در مقام این است که مفاد قاعده لاجرح همانند قاعده لاضرر، نفی نفس حکم حرجی است؛ چه حکم تکلیفی باشد و چه حکم وضعی... پس در احکام و قوانین اسلام، حکم حرجی نیست. اگر عباداتی نظیر غسل یا وضو در سرمای شدید که مستلزم عسرو حرج است، مورد امتنان مکلف قرار گیرد، آیا این عبادات صحیح هستند؟ چنین عبادتی صحیح است؛ زیرا اولاً قاعده حرج همچنان که بیان شد، در مقام امتنان بر مکلفان است و شارع مقدس، از باب لطف، تکلیف حرجی را منفی و مرفوع اعلام کرده است.</p>	<p>بجنوردی</p>
<p>نهی سلطانی یا حکومتی به منظور اداره جامعه</p>	<p>منظور از مفاد لاضرر و نفی حرج، نهی سلطانی یا حکومتی و به منظور اداره جامعه است و مراد از آن نهی شرعی نیست.</p>	<p>امام خمینی</p>

در خصوص توسعه مصداقی عسرو حرج در حوزه شهر و شهرسازی و حرج‌های شهری از چند نفر از فقهای شیعه استفتاء شده است که پاسخ ارائه شده در این زمینه و تأیید فرض مسئله، شایان توجه است. البته برخی از فقها، استفتاء ارسالی را پاسخ نداده‌اند. سؤال ارسالی^۱ عبارت است از: با آرزوی سلامتی، در خصوص قاعده عسرو حرج و انواع حرج (مانند حرج‌های جسمانی، غیر جسمانی، اجتماعی، روحی و روانی، مالی) در حوزه شهر و شهرسازی و مسائل شهری (مانند مسائل مختلف قابل توسعه می‌باشد؟ اما در این زمینه پاسخ ارسالی از حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی حائز اهمیت است: «مطلب صحیح همان است که نوشته‌اید و لازم است در امر شهر و ساختمان‌سازی، تمام اصول و قواعدی که در جهت رفاه حال شهروندان است در چهارچوب موازین شرعی رعایت شود». بنابراین می‌توان با فرض سؤال و مسئله تحقیق که تعمیم قاعده لاجرح به حرج‌های شهری است، به توسعه مصداقی آن در حوزه شهر و شهرسازی پرداخت. آیه‌الله صافی گلپایگانی نیز ضمن تأیید توسعه مصداقی قاعده لاجرح در شهرسازی اسلامی، در پاسخ به استفتاء مذکور فرموده‌اند: «روشن است که ملاحظه قاعده مذکور در طراحی و مدیریت شهر در مملکت اسلامی امری راجح است». همچنین آیه‌الله علوی گرگانی با تأیید این امر فرموده‌اند: «در موضوع شهرسازی و روابط اجتماعی هر گونه برنامه و یا روابطی که موجب ایجاد عسر و حرج و یا مزاحمت برای عموم مردم شود می‌تواند مصداقی از قاعده عسر و حرج باشد و باید قوانین منطقی شهرسازی رعایت شود»^۲.

۴. گونه‌شناسی حرج و انواع آن

دسته‌ای از قوانین در قلمرو اختیار انسان قرار دارد و انسان مخیر است از حقوقی که این قوانین برای او ایجاد می‌کند، بهره‌بردار یا به اختیار خود از آن منصرف شود. این قوانین با این هدف وضع نشده است که الزاماتی بر انسان تحمیل کند که در هر حال مکلف به رعایت آن باشد، بلکه بیشتر برای ایجاد توسعه و

۱. توضیح بیشتر در خصوص استفتاء ارسالی برای فقها: شهر اسلامی محل تجلی و کاربست قواعد فقهی و از جمله قاعده لاجرح می‌باشد، به طوری که مطابق قاعده لاجرح، در شهر اسلامی باید زمینه عمل به احکام الهی فراهم شود و برنامه‌ها و طرح‌ها و اقدامات باید آسایش و آرامش مسلمانان را فراهم کند. بنابراین شهر اسلامی حامل قاعده لاجرح بوده و حرج‌های شهری باید در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری پیش‌بینی و در نظر گرفته شوند. این اصل می‌تواند در تسهیل رفت‌وآمد به‌ویژه برای اقشار کم‌توان، کارایی و راحتی استفاده از مبلان شهری، فضاهای عبوری، دسترسی و توقف و... در نظر گرفته شود. همچنین کارایی و راحتی مذکور باید برای تمامی سنین، گروه‌های اجتماعی نظیر زنان، کودکان، سالم‌خوردگان و... لحاظ شود. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت که شهر اسلامی علاوه بر برخورداری از روح و معنا و اخلاق انسانی، محل تجلی احکام الهی و قواعد فقهی نیز بوده و برای مسلمانان، حرج و مشقتی در ابعاد مختلف ایجاد نشود. از منظر قاعده فقهی لاجرح، مشقت‌ها و حرج‌های شهری بهتر است در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت در نظر گرفته شود.

۲- پاسخ استفتاء از آیه‌الله صافی گلپایگانی (ره) در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۰ و همچنین پاسخ استفتاء از آیه‌الله صافی علوی گرگانی (ره) در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱۰ صادر شده است که از خداوند متعال برایشان رحمت و مغفرت آرزو مندیم.

تسهیل در کار فرد و جامعه وضع می‌شود. در اصطلاح به این گروه از قوانین، احکام ترخیصی یا به‌طور خلاصه رخصت گفته می‌شود.

نوع دیگری از قوانین نیز وجود دارد که اراده قانونگذار باتوجه به مصالحی از جمله نظم عمومی، به آن تعلق گرفته است که حریم آن‌ها باید در همه حال رعایت شود و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان از زیر بار آن‌ها شانه خالی کرد. این دسته از قوانین، قوانین امری هستند. به عبارت دیگر، آن قوانینی الزامی و امری نامیده می‌شوند که مراعات آن‌ها بر فرد لازم است و نمی‌توان برخلاف آن توافق کرد و در اصطلاح به آن‌ها عزیمت گفته می‌شود. در غیر عبادات، قاعده نفی عسرو حرج از نوع رخصت است؛ زیرا مفاد این قاعده در واقع نوعی ترخیص برای شخص واجد این عنوان است تا در صورت تمایل بتواند به استناد این رخصت شرعی و قانونی از حق خود استفاده کرده، ضیق و حرجی را که با آن مواجه است، از دوش خود بردارد و در غیر این صورت، با انصراف از اعمال این حق، ضیق و حرج را تحمل کند. به عبارت دیگر این قاعده، لزوم تحمل حرج را از سوی شخص مرتفع می‌کند؛ اما به این معنا نیست که او با قصد تحمل حرج نتواند از اعمال آن خودداری کند.

جوامع بشری به موازات افزایش جمعیت، پیچیدگی قوانین، رشد علم و دانش‌های مختلف اجتماعی و ارتباطی، دارای ارتباطات وسیع‌تر و پیچیده‌تری نیز می‌شوند. ارتباطات یادشده در جوامع اسلامی به دلیل پابندی به دین، از ویژگی خاصی برخوردار است؛ بدین معنا که فقه، احکام و قواعد فقهی نیز وارد این ارتباطات می‌شود که جوامع دینی را با چنین خصوصیتی از سایر جوامع و ملت‌ها متمایز می‌کند (احمدزاده و دیگران، ۱۱۷ تا ۱۵۰).

قاعده لاجرح، از جمله قواعدی است که ائمه معصوم (ع) در موارد متعدد نه تنها به آن استدلال کرده‌اند، بلکه اصحابشان را هم در استدلال به این قاعده ترغیب کرده و فرموده‌اند که «يعرف هذا و اشباهه من قول الله عزوجل ماجعل عليكم في الدين من حرج». (شاهین فرد و دیگران، شمول‌پذیری قاعده لاجرح، ۲۲۸). در ادامه به انواع حرج اشاره می‌شود.

حرج جسمانی: حرج جسمانی، یعنی مطلق ضیق و سختی و مشقت. همچنین باتوجه به اطلاق و عمومیتی که ادله نفی حرج دارند، استفاده می‌شود که حرج می‌تواند جسمانی باشد، همان طور که می‌تواند غیرجسمانی باشد. حرج‌های جسمانی عبارتند از اموری که سختی‌ها و مشقت‌هایی را برای جسم انسان به همراه دارد. این نوع حرج در فقه بسیار کاربرد دارد، خصوصاً در بخش عبادات که هر مکلفی در ابواب مختلفی از این بخش از قبیل طهارت، نماز، روزه، حج، جهاد با آن‌ها مواجه است (همو، همان،

۲۴۵ تا ۶). حرج و مشقت منحصر به حرج جسمانی نیست و شامل حرج‌های غیرجسمانی اعم از روحی، روانی، مالی و... می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۰۱۶ق؛ نراقی، ۱۴۱۷ق).

حرج غیرجسمانی: حق، تکلیف و مسئولیت سه عنوان برجسته‌ای است که انسان در ارتباط با خود، دین و جامعه از پذیرفتن آن ناگزیر است. اما خداوند از روی لطف و تفضل، احکام حرجی، سخت و مشقت‌بار را از امت اسلام برداشته است؛ یعنی از آیات و روایات استفاده می‌شود که تکلیف و اجبار به اعمالی که عسروحرج و مشقت دارد، از سوی خداوند حکیم در سطح فرد و جامعه منتفی است و به این مسئله اصطلاحاً قاعده نفی عسروحرج اطلاق می‌شود (احمدزاده و دیگران، ۱۱۸).

حرج غیرجسمانی آن دسته از سختی‌ها و مشقت‌هایی است که مربوط به جسم و بدن شخص نباشد که خود بر چند دسته است: حرج مالی، حرج روانی، حرج حیثیتی، حرج اجتماعی (شاهین فرد و دیگران، شمول‌پذیری قاعده لاجرح، ۲۴۷). با توجه به ماهیت تنوع‌پذیری قاعده حرج و شمولیت آن در خصوص حرج‌های غیرجسمانی و اینکه فقها در موارد مختلفی از حرج‌های غیرجسمانی به قاعده حرج استناد کرده‌اند و برای برون‌رفت از مشقت‌های جوانحی از این قاعده مدد گرفته‌اند و از آنجایی که آسیب‌های حرج‌های غیرجسمانی در جامعه کنونی کمتر از آسیب‌های جسمانی نیست و چه بسا به مراتب تحمل‌ناپذیرتر باشد و فرد را دچار پیامدهای سوء جبران‌ناپذیری کند؛ با استناد به این قاعده در تمام انواع حرج‌ها می‌توان در صدد به دست آوردن حکم شرعی برآمد و از احکام تکلیفی و جوبی یا تحریمی اولی به واسطه وجود انواع حرج دست کشید و حکمی متناسب با شرایط عسروحرج را استنباط کرد (همان، ۲۲۵).

حرج‌های اجتماعی: بدیهی است در مواردی که اقدامات و تصرفات مالکانه شخصی در ملک خود سبب ایجاد حرج مالکان مجاور باشد، تا هنگامی که مالک آسیب‌دیده از این اقدام، مبادرت به اعتراض و طرح موضوع در محکمه نکرده است، نمی‌توان فقط به استناد حرجی بودن تصرف مالکانه شخص مذکور، به الغای آثار تصرف او و رفع امور حرجی حکم کرد.

باتوجه به اطلاق و شمولی که از ادله حرج به دست می‌آید، حرج می‌تواند جسمانی و غیرجسمانی باشد و در بین حرج‌های غیرجسمانی، حرج اجتماعی یکی از حرج‌هایی است که در برخی موارد دامن مکلف را می‌گیرد که برای رهایی از سختی و مشقت آن باید به قاعده لاجرح تمسک جست. حرج اجتماعی آن دسته از سختی‌ها و مشقت‌هایی است که انسان را از نظر اجتماعی در مضیقه قرار دهد و برای او ایجاد عسروحرج می‌کند (همان، ۲۵۲).

حرج روحی روانی: باتوجه به عمومیت و شمول و اطلاقی که از ادله نفی عسرو حرج از آیات و روایات استفاده می‌شود، می‌توان به اقسام حرج غیر جسمانی، حرج روحی روانی را نیز ملحق کرد؛ زیرا چه بسا برخی از مکلفان در مواردی از تکالیف شرعی به لحاظ روحی و روانی در مشقت و سختی و تنگنا قرار می‌گیرند که جز قاعده لاجرح چیز دیگری نمی‌تواند بر طرف‌کننده این مشقت و سختی باشد. منظور از حرج روحی روانی آن دسته از اموری است که سبب می‌شود انسان به لحاظ روحی روانی در مشقت و فشار و سختی قرار بگیرد که قاعده لاجرح می‌تواند باعث رفع این سختی‌ها و فشارهای روحی روانی شود؛ مانند جواز اخذ به شفعه به دلیل رفع عسرو حرج از شفیع (همان، ۹ تا ۲۴۸). برخی از امور، اعم از فعل یا ترک فعل سبب به وجود آمدن حرج روحی و روانی می‌شود و انسان در این گونه موارد در مضیقه و سختی قرار می‌گیرد که در همه این موارد، حرج ناشی از تحمل شرایط نامطلوب است و به کمک قاعده نفی حرج این گونه سختی‌ها نیز مرتفع می‌شود (همان، ۲۵۱).

حرج‌های مالی: حرج در برخی موارد، حرج مالی است؛ بدین معنا که انجام برخی از تکالیف، سبب می‌شود مکلف در مضیقه و سختی مالی قرار بگیرد و از نظر مالی به عسرو حرج بیفتد که در این صورت با استفاده از عموم قاعده حرج آن سختی و مشقت مالی برداشته می‌شود. منظور از حرج مالی اموری است که سبب می‌شود مکلف با انجام دادن آن‌ها در مضیقه و مشقت مالی قرار بگیرد یا به تعبیری ضرر مالی به او برسد و از این نظر دچار عسرو حرج شود. در فقه نمونه‌هایی از حرج مالی وجود دارد که به کمک قاعده لاجرح، این مشقت‌ها و سختی‌های مادی و مالی از مکلف برداشته می‌شود (همان، ۲۴۷).

یکی از مصادیق این حرج، روابط استیجاری است. در مواردی که دادگاه تخلیه ملک اجاره‌شده را به لحاظ کمبود مسکن سبب عسرو حرج مستأجر بداند و معارض با عسرو حرج موجه نباشد، می‌تواند مهلتی برای مستأجر قرار بدهد. قانونگذار در این مورد، مسئله عسرو حرج مستأجر را به تصمیمات اجراننده قبلی دادگاه‌ها که پیش از تصویب این ماده اتخاذ شده نیز تسری داده است و در تبصره ماده مذکور، شورای عالی قضایی را مکلف کرده است که در اولین فرصت، دادگاه‌های ویژه‌ای تشکیل دهد، تمامی احکام تخلیه را که از طرف دادگاه‌ها یا اداره ثبت صادر شده و هنوز اجرا نشده است را تجدیدنظر کند و چنانچه تخلیه منزل مستلزم عسرو حرج برای مستأجر باشد، آن حکم را متوقف سازد. به دنبال این حکم در سال ۱۳۶۴، قانونگذار اجرای مفاد قاعده عسرو حرج را به امکان استیجاری آموزشی نیز تعمیم داد و به موجب ماده واحده قانون الحاق یک تبصره به عنوان تبصره یک به ماده ۹ قانون روابط موجر و مستأجر در ۱۳۶۴ / ۶ / ۲۸ مقرر داشت: «در مواردی که دادگاه، صدور حکم تخلیه اماکن آموزشی را به علت کمبود

جای مناسب موجب عسرو حرج تشخیص دهد، دادگاه مکلف است تارفع عسرو حرج، به مدت پنج سال از صدور حکم خودداری کند و این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا است» (محقق داماد، ۱۰۳ تا ۱۰۴).

۵. حرج‌های شهری از منظر فقهی

معماری و شهرسازی نیز که نوعی برنامه‌ریزی برای فضای کالبدی مردم است از این اصل مستثنی نیست؛ برای مثال، توجه به مسئله امنیت و احساس آرامش و راحتی در طراحی محلات باید به خوبی لحاظ شود. همچنین در جامعه اسلامی، انجام دادن تکالیف مذهبی نباید سخت باشد و باید مدل شهرسازی و شکل معماری به انجام دادن تکالیف شرعی کمک کند. این اصل می‌تواند در کارایی و راحتی استفاده از مبلمان شهری، فضاهای عبوری و نشیمن و... در نظر گرفته شود. همچنین کارایی و راحتی مذکور باید برای تمامی سنین، گروه‌های اجتماعی نظیر زنان، کودکان، سالم‌خوردگان و... لحاظ شود. بدین ترتیب می‌توان گفت: شهر اسلامی علاوه بر برخورداری از روح و معنا و اخلاق انسانی، محل تجلی احکام الهی و قواعد فقهی نیز است و برای مسلمانان حرج و مشقتی در ابعاد مختلف ایجاد نشود. از منظر قاعده فقهی لاجرح، مشقت‌ها و حرج‌های شهری بهتر است در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت در نظر گرفته شود.



شکل ۲. دیاگرام ارتباط معنایی قاعده لاجرح با شهرسازی اسلامی (نگارنده)

شهر به‌عنوان بستر زندگی فردی و جمعی شهروندان، نیازمند آسایش و آرامش در ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حرکت و دسترسی، روحی و روانی و زیست‌محیطی است. مسائل شهری تأثیر بالایی در رضایتمندی، رفاه و کیفیت زندگی انسان‌ها دارند. شهرهای معاصر ایران مملو از مسائلی در

ابعاد مختلف هستند که آسایش و آرامش را به شدت تضعیف کرده است؛ مسائلی از قبیل آلودگی هوا و صدا، اختلالات ترافیکی، اغتشاش و آشفتگی سیما و منظر شهری، شلوغی و ازدحام بیش از حد در مراکز شهری، آسیب‌های اجتماعی، وجود فضاهای بی‌دفاع و ناامن، بی‌عدالتی در توزیع امکانات و خدمات شهری، نامناسب بودن فضاهای شهری برای گروه‌های کم‌توان و معلولان که انسان به‌طور روزمره با آن‌ها درگیر است و مانع پیشروی آسایش و آرامش جسمی و روحی اوست.

شهرنشینی در دوران اخیر به‌سرعت در حال افزایش است. انقلاب صنعتی و روابط صنعتی منجر به رشد و توسعه شهری توأم با مسائل متعددی شده است. این مسائل و مشکلات، با ساختار و کارکرد نابسامان شهری ملازمه دارد. هرچند شهر همیشه دارای کارکرد مثبت نیست، شهرهایی که رشد نامتوازن و ساختار ناسالم دارند، کژکارکردهایی را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی، کالبدی و سیاسی تجربه می‌کنند، در چنین شرایطی شهر حالت بیمارگونه به خود می‌گیرد (محسنی، ۲۵). چنانچه برخی از مسائل شهری در حال حاضر از مشکل به معضل و از معضل به بحران تبدیل شده‌اند. معضلات اجتماعی، ترافیکی، زیست‌محیطی و کالبدی شهرها رفته‌رفته حیات شهری را با اختلال مواجه کرده و مسائل دیگری را در ابعاد سلامت جسمی و روحی شهروندان، آسیب‌های اجتماعی و آسیب‌پذیری بیش‌ازپیش شهر را رقم زده است.

مسائل شهری را می‌توان در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی، کارکردی و مدیریتی دسته‌بندی کرد. مسائل اجتماعی شامل آسیب‌هایی از قبیل اعتیاد، سرقت، ناامنی و نبودن اعتماد و از بین رفتن سرمایه اجتماعی و... است. مسائل فرهنگی شامل الگوبرداری از فرهنگ بیگانه، مصرف‌گرایی، تضعیف فرهنگ بومی و کم‌توجهی به سنت‌ها و آیین‌های بومی در سبک زندگی شهروندان است. مسائل زیست‌محیطی شامل آلودگی‌های آب‌وهوا و صدا و مصرف بیش از حد انرژی است. مسائل کالبدی شامل آشفتگی ساختمان‌ها از نظر تراکم، ارتفاع، حریم، سطح اشغال، فضاهای عمومی، مبلمان شهری است. مسائل کارکردی شامل توزیع ناعادلانه خدمات شهری، کم‌توجهی به زیرساخت‌های شهری، عدم محله‌محوری در برنامه‌ریزی کاربری زمین است. مسائل مدیریتی شامل کم‌توجهی به تخصص‌های دخیل در مدیریت شهری، ناآشنایی به احکام اسلامی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. در شهرهای اسلامی ایرانی، استفاده از احکام اسلامی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت شهرها امری ضروری و بدیهی است. همان طوری که احکام دین اسلام شامل قواعد فقهی جامع و متعددی است که می‌تواند در تعالی شهر و شهروندان راهگشا باشد، یکی از این قواعد فقهی قاعده نفی عسرو حرج در امورات مربوط به انسان است که می‌تواند در تبیین اصول و راهکارهای حل مسائل شهری مؤثر باشد.

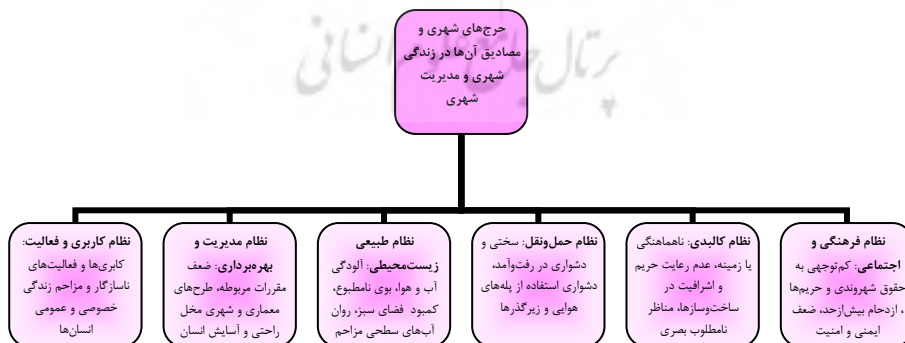
یکی دیگر از موارد تأکید شده در معماری و شهرسازی اسلامی، اصل مسئولیت افراد راجع به حقوق خداوند و مخلوقات (قاعده لاضرر) است. تمام افراد نسبت به یکدیگر در قبال خسارت‌های احتمالی مسئولیت دارند و ساخت‌وسازها نباید به دیگران خسارتی وارد کند. مطابق با اصل مسلم عقلایی تأیید شده شرع مقدس، هرگونه مباشرت در اتلاف و نیز تثبیت در آن موجب ضمان است، حتی اگر این اتلاف غیر آگاهانه و غیر عمدی باشد. مدیریت ساخت‌وسازها اعم از مراحل طراحی، اجرا و بهره‌برداری یا نظارت بر این مراحل نباید حقوق عمومی آحاد شهروندان را تضییع کند. مسئولیت انسان در شهر، به‌ویژه در فضاهای شهری می‌تواند در سه بُعد تبیین شود: ۱. مسئولیت انسان راجع به خداوند: انجام فرائض دینی و انسانی شامل عبادات، اخلاق دینی و انسانی و...؛ ۲. مسئولیت انسان راجع به سایر انسان‌ها: رعایت حقوق شهروندی، مسئولیت‌پذیری انسان‌ها در امور اجتماعی و...؛ ۳. مسئولیت انسان در خصوص سایر مخلوقات (حیوانات، گیاهان، عناصر طبیعی و...): متعهد بودن راجع به محیط زیست، منابع طبیعی و... توجه به این امر در برنامه‌ریزی/طراحی/مدیریت شهری می‌تواند موجبات آسایش و راحتی شهروندان را فراهم کند.

کتاب درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی نیز مهمترین اصول در معماری و شهرسازی دوران اسلامی را در چهار اصل این چنین توصیف می‌کند: ۱. اصل عدالت محوری؛ ۲. اصل سیر از کثرت به وحدت: اصل محوربندی فضایی، اصل مرکزگرایی، اصل سلسله مراتب فضایی، اصل استقلال فضاها در عین وحدت آن‌ها، اصل سامان‌بندی حرکت در درون فضا (سیالیت)، اصل تقدم درون‌گرایی بر برون‌گرایی، اصل سیر از هندسه آفاقی در شهر به هندسه انفسی در معماری؛ ۳. اصل سیر از ظاهر به باطن: اصل انتزاع‌گرایی، اصل نشانه‌گرایی، اصل برتری فضا بر توده ساختمان، اصل سامان‌بندی چشم‌انداز، اصل تعامل مکمل میان معماری و طبیعت؛ ۴. اصل رده‌بندی اهداف کمی و کیفی: اهداف ساختاری (رعایت دستاوردهای فنی و مهندسی)، اهداف کارکردی (چندگانگی در کارکرد)، اهداف زیبایی‌شناسانه (بهره‌گیری از تزئینات)، اهداف هویت‌ساز، اصل لزوم تهذیب نفس معماران و شهرسازان (نقره‌کار، صص ۶۰۰ تا ۶۱۸).

می‌توان چنین استنباط کرد که در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی نیز می‌تواند در ارزیابی و ارتقای کیفیت آسایش و راحتی مؤثر باشد؛ برای مثال رعایت حریم‌ها در طراحی شهری در جامعه اسلامی، آسایش و راحتی ساکنان و کاربران را درون فضاهای خصوصی و نیمه‌عمومی یا نیمه‌خصوصی به دنبال داشته باشد یا تأکید بر اصل رعایت حقوق خداوند و مخلوقات (قاعده لاضرر) در امر شهرسازی می‌تواند به نهادینه شدن این اصول و کیفیت‌ها کمک و افری کند.

نمونه موردی؛ شهر تبریز: آسایش و راحتی معطوف به طراحی شهری می‌تواند در ابعاد حمل‌ونقل،

- زیست محیطی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی، خدمات و زیرساخت‌ها و... مطالعه شود. این ابعاد خود شامل مصداق‌ها، کیفیت‌ها و موارد متعددی است (شکل ۲). در زیر به برخی نمونه‌ها اشاره می‌شود:
۱. سختی و دشواری در رفت‌وآمد به دلیل فاصله زیاد، عدم پیاده‌مداری، یک‌طرفه‌بودن مسیرها، کمبود حمل‌ونقل عمومی، نامناسب بودن فضاها برای معلولان، سالخوردگان و...
 ۲. تأمین نشدن نیازهای حداقلی در شعاع زندگی همسایگی و محلی (مانند تفریحی، ورزشی).
 ۳. سروصدای بیش از حد و مزاحم؛ ازدحام اتومبیل‌ها، استفاده بیش از وسایل نقلیه، ترافیک سنگین.
 ۴. مدیریت نشدن آب‌های سطحی و ایجاد سیلاب‌های شهری؛ اختلال در تردد، سرآزیر شدن آب‌های سطحی به فضاهای خصوصی و...
 ۵. آلودگی آب‌وهوایی؛ ناراحتی جسمی (تنفسی، قلبی، کلیوی و...) به‌ویژه برای افراد آسیب‌پذیر.
 ۶. رعایت نکردن حریم و اشرافیت در ساخت‌وسازها؛ احساس ناراحتی و ناامنی در فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی به دلیل اشرافیت فضاها و بناها به یکدیگر.
 ۷. بوی نامطبوع به دلیل مدیریت ضعیف پسماندها، آلاینده‌های صنعتی به دلیل انباشتگی بیش از حد کارخانجات صنعتی.
 ۸. ایجاد جزایر گرمایی و کمبود فضای سبز در شعاع زندگی همسایگی و محلی
 ۹. طرح‌های معماری و شهری که راحتی و آسایش را حمایت نمی‌کنند (مبلمان شهری، علائم و تابلوها، ورودی محله و مجتمع‌ها، ساخت‌وساز در تضاد با توپوگرافی و...).
 ۱۰. ناهماهنگی با زمینه‌های اقلیمی؛ آسایش اقلیمی یعنی سایه و آفتاب، باد و بارش.
 ۱۱. تغییر تدریجی اقلیم و افزایش روزهای گرم و دمای هوا و برهم خوردن تعادل اقلیمی شهر و شهروندان و افت کیفیت زندگی.
 ۱۲. اختلالات بیش از حد ترافیکی و ازدحام بیش از حد ماشین و سروصدای مزاحم خودروها.

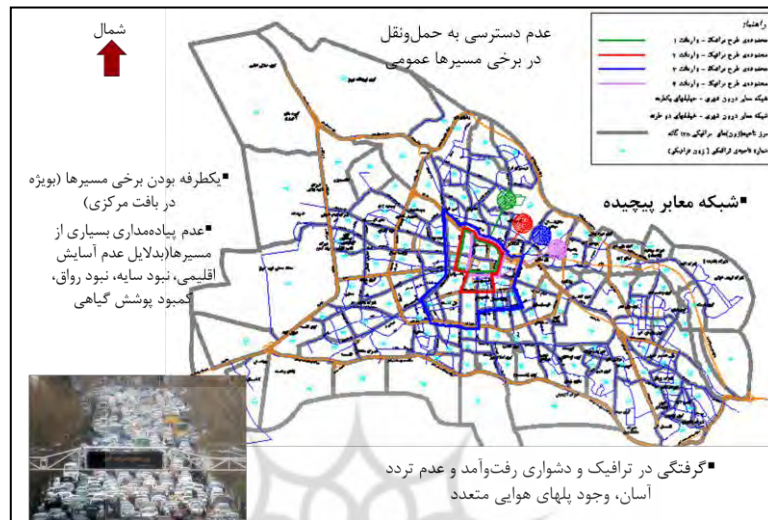


شکل ۳. حرج‌های شهری و مصادیق آن‌ها در زندگی شهری و مدیریت شهری (نگارنده)

حرج و مشقت در دسترسی و حمل و نقل: آسایش و دشواری در دسترسی و حمل و نقل، مصادیق

مثبت و منفی متعددی را شامل می‌شود. این امر در دسترسی سواره و پیاده از مقیاس کلان تا خرد را شامل می‌شود. از نمونه‌ها و مصادیق مثبت آن در شهر تبریز می‌توان به این موارد اشاره کرد: شبکه حمل و نقل عمومی پذیرفتنی و در حال توسعه (اتوبوس‌های تندرو و مترو در حال ساخت)، پایین بودن میزان تصادفات رانندگی در داخل شهر و امنیت بالای ترافیکی، وجود معابر و شبکه مسیرهای پیاده‌مدار (مانند پیاده‌راه تربیت، بازار تاریخی، پیاده‌راه ولیعصر)، برخورداری از شبکه‌های مسیرهای مناسب شرقی غربی در شهر (مسیر چای‌کنار، بلوار آزادی، ۲۹ بهمن، کمربندی شهید کسایی و...)، برخورداری محلات جدید در شهر از شبکه معابر مناسب و کارا (کوی منظریه، پرواز، خیام، رشیدیه و...)، برخورداری از زیرساخت‌های حمل و نقلی بین شهری مناسب و کارا (اتوبان، جاده، راه ریلی و هوایی)، کاهش مشکل ترافیک با زیرگذرها و پل‌های روگذر در نقاط پرترافیک، عابرگذرهای زیرزمینی در بافت مرکزی شهر و...

از نمونه‌ها و مصادیق منفی (نبود آسایش و راحتی در حمل و نقل) در شهر تبریز می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم پیاده‌مداری بسیاری از مسیرها (به دلایل نبود آسایش اقلیمی، نبود سایه، نبود رواق، کمبود پوشش گیاهی، نامناسب بودن موقعیت استقرار و متمرکز نبودن گاراژهای مسافری و باری دروازه تهران، ضعف تسهیلات و امکانات حمل و نقلی و به کار نرفتن مناسب و به هنگام سیستم‌های هوشمند کنترل ترافیک در شهر، تراحم میان نقش عبوری و نقش شهری و اجتماعی در برخی از معابر همچون امام، آزادی و کارگر، فقدان شبکه‌های مناسب و کارای شمالی جنوبی در شهر، دشواری در پیدا کردن مسیرها و نشانی‌ها (به ویژه در بافت مرکزی و تاریخی) به ویژه برای مسافران و گردشگران و غیربومیان، عبوری شدن بسیاری از معابر فرعی محلات در بافت تاریخی و مرکزی شهر، توسعه عمودی شهر بدون تأمین شبکه‌های مورد نیاز آن به ویژه در داخل محلات، کمبود پارکینگ و گسترش تدریجی معضل مذکور با توجه به افزایش مداوم شکاف نسبت خودرو به پارکینگ، یک طرفه بودن برخی مسیرها (به ویژه در بافت مرکزی) و دسترسی نداشتن به حمل و نقل عمومی، گرفتگی در ترافیک و دشواری رفت و آمد و نبود تردد آسان، وجود پل‌های هوایی متعدد و...



شکل ۴. نمونه‌هایی از موارد نبود آسایش و راحتی در زندگی شهری در بُعد حمل و نقل و دسترسی (یافته‌های تحقیق)

حرج و مشقت در مسائل زیست‌محیطی: آسایش و دشواری در بُعد طبیعی و زیست‌محیطی، مصادیق مثبت و منفی متعددی را شامل می‌شود. این امر در دسترسی سواره و پیاده از مقیاس کلان تا خرد شامل را می‌شود. از نمونه‌ها و مصادیق مثبت در شهر تبریز عبارت‌اند از: وجود پارک‌های جدیدالاحداث (باغ‌لارباغی، پارک مشروطه، پارک طالقانی، بوستان‌های ناحیه‌ای، فضای سبز دانشگاه تبریز-وجود باغ‌های ارزشمند تاریخی (باغ ائل‌گلی، باغ‌شمال، باغ فتح‌آباد، خلعت‌پوشان و...)- وجود الگوهای اقلیمی بومی مسکونی و تجاری در معماری و طراحی شهری گذشته تبریز (خانه‌های قاجاری با حیاط باغی)، شهر تبریز در گذشته باغشهر، ترکیبی از باغ‌ها و محله‌ها بوده است (باغ‌ها جداکننده محله‌ها و مرزی سبز بین آن‌ها) (باغ‌میشه، باغ‌شمال، شنب‌غازان، ربع رشیدی، شتربان، ششگلان، سرخاب، مه‌ادمین، چهارمنار، گجیل و...)، پوشش گیاهی بومی، مصالح بومی (درخت تبریزی، سنگ‌های ماسه آهکی، آجرهای قرمز و...)، پروژه در حال انجام سبزکردن تپه‌عینالی (کوه عون‌بن‌علی) در شمال تبریز و فواید مثبت آن بر محیط‌زیست شهر-اقلیم سرد کوهستانی، شرایط زندگی مطلوب و راحتی را در فصول گرم بر شهروندان و گردشگران فراهم می‌کند. رعایت اقتصاد در مصرف و تلاش مضاعف در تولید و مصرف (انرژی، کالا، طبیعت) برای تقویت محیط زیست است. فرهنگ زیست‌محیطی: پاکیزگی شهر و فضاهای شهری، فرهنگ بومی تولید و مصرف محصولات بومی، تولید زباله‌های خانگی مضر را کاهش می‌دهد.

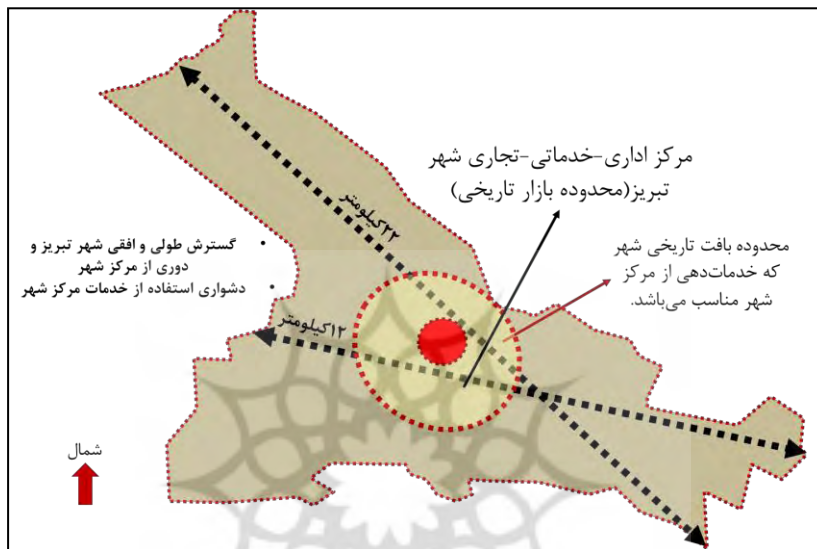
بافت مرکزی و تاریخی به‌ویژه بازار تبریز، با مسیرهای سرپوشیده، محیطی مساعد و راحت برای کار و فعالیت را فراهم می‌کند و...

از نمونه‌ها و مصادیق منفی (نبود آسایش و راحتی در بُعد زیست محیطی) در شهر تبریز عبارت‌اند از: نبودن تعادل بین بارگذاری صنعتی-جمعیتی با توان‌های زیست محیطی منطقه تبریز، کمبود فضاهای سبز و باز شهری (پارک، بوستان، تخریب باغات به‌مرور زمان)، بی‌توجهی به الگوهای اقلیمی-بومی در ساخت‌وساز واحدهای سکونتی، تجاری، فرهنگی و... (مانند پروژه عتیق در بافت تاریخی، برج‌های محدوده پل آب‌رسانی و...)، تأثیرپذیری شهر از پیامدهای منفی و نامطلوب خشک شدن دریاچه ارومیه با افزایش ریزگردها و ذرات نمک، گسترش اراضی بایر و بی‌ارزش در منطقه به‌واسطه خشک شدن تدریجی دریاچه ارومیه، سیل خیزی اراضی غرب و جنوب شهر (مارالان، خطیب و...)، آلودگی جریان‌های سطحی داخل شهر مهران‌رود (قوری چای) و دفع نامناسب فاضلاب‌ها و پساب‌های خانگی و معابر شهری به بستر رودخانه، واقع شدن برخی از محلات و مجتمع‌های مسکونی در حریم پروازی فرودگاه (آلودگی صوتی)، کمبود آب (شرب و صنعتی) و استفاده از رودخانه‌های زرينه‌رود و سيمينه‌رود و تبعات زیست محیطی آن، بسط هسته جزیره حرارتی شهر و ایجاد هسته‌های جدید حرارتی در بافت‌های صنعتی کارگاهی حاشیه شهر که سبب بیماری‌ها و امراض قلبی و ریوی و شرایط نامناسب زیست برای سالمندان و کودکان را می‌شود، ناپایداری دامنه‌ها در بافت‌های حاشیه نشین و خودرو در شمال شهر تبریز و نشت فاضلاب‌ها و پساب‌ها به منازل پایین‌دست و...



شکل ۵. مشکل سیل خیزی شهر تبریز؛ توپوگرافی شهر در شمال و جنوب شهر؛ روان‌آب‌های سطحی در بارش‌های تابستان ۱۳۹۱ که آسایش زندگی خصوصی و عمومی را بر هم زد (یافته‌های تحقیق)

در نقشه شماره ۵ همان طوری که مشاهده می‌شود توزیع فضاهای سبز در محدوده مرکزی شهر کم و ناکافی است. با توجه به تراکم فعلیتی و ازدحام بیش از حد در محدوده مرکزی شهر، آسایش و راحتی در این محدوده پایین است.



شکل ۶. کمیت پایین فضای سبز به ویژه در محدوده مرکز شهر تبریز؛ آسایش و راحتی زندگی را تضعیف می‌کند (یافته‌های تحقیق)

حرج و مشقت در مسائل خدماتی (تأسیسات و تجهیزات شهری): آسایش شهروندان در بُعد خدمات، مصادیق مثبت و منفی متعددی را شامل می‌شود. این امر در پاسخ‌دهی تأسیسات و تجهیزات شهری از مقیاس کلان تا خرد، موارد متعددی را شامل می‌شود. از نمونه‌ها و مصادیق مثبت در شهر تبریز عبارت‌اند از: شعاع مناسب محدوده بافت تاریخی شهر تبریز از مرکز خدماتی شهر که دسترسی آسان را فراهم می‌کند (شکل ۱۲)، احداث پل‌بازارهای کارآمد و پاسخ‌ده در گذشته که قسمت شمال مهران‌رود را به مرکز خدماتی شهر ممکن می‌کند، وجود واحدهای پذیرایی، مهمان‌پذیرها و هتل‌های کافی در سطح شهر برای مسافران و گردشگران (واحدهای پذیرایی و اقامتی خیابان فردوسی، ۱۷ شهریور و...)، وجود واحدهای تجاری با تولیدات بومی و با شعاع دسترسی مطلوب، وجود ایستگاه‌های آتش‌نشانی به تعداد کافی، فضاهای آموزشی دانشگاهی متعدد، وجود مسجد به تعداد کافی و در شعاع دسترسی راحتی، وجود خدمات درمانی و بهداشتی و خدمات‌دهی به تبریز و سایر شهرهای اطراف و...

از طرف دیگر عوامل و نمونه‌های مخمل آسایش و راحتی، مواردی به این شرح به چشم می‌خورد: کشیدگی و گسترش نامناسب شهر تبریز در راستای شمال شرقی و جنوب غربی و دوری از مرکز خدماتی شهر برای خدمات‌دهی (شکل ۱۲)، سرانه ناکافی تأسیسات و تجهیزات شهری، نبودن تناسب تراکم جمعیتی و خدمات موجود، کمبود سرویس‌های بهداشتی در سطح شهر و کیفیت پایین آن‌ها، وجود پهنه‌های وسیع صنعتی در شهر و حومه آن (برهم‌زدن سهولت ارائه خدمات موردنیاز محدوده مربوطه)، وجود پهنه‌های وسیع نظامی فراوان در داخل و حومه شهر، کمبود فضاهای ورزشی و تفریحی و شعاع نامطلوب آن‌ها، کمبود فضاهای فرهنگی و تفریحی در سطح شهر، کمبود فضاهای آموزشی محلی و شعاع نامطلوب آن‌ها، تغییر الگوی معماری و طراحی شهری واحدهای خدماتی از بومی به غیربومی (مجتمع‌های تجاری، پاساژها و...).



شکل ۷. گسترش نامناسب شهر تبریز در راستای شمال غربی، جنوب شرقی و دوری از مرکز شهر، دشواری استفاده از خدمات مرکز شهر (نگارنده)

در منطقه ۸ شهر تبریز-بافت تاریخی و محدوده بازار تبریز- مرکز تجاری، اداری و خدماتی شهر است که با تراکم بالای فعلیتی، کاربری و تردد سواره و پیاده مواجه است. عملکردهای مهم این منطقه عبارت‌اند از: بازار تاریخی تبریز با عملکرد فراشهری، پاساژها، محورها و مراکز تجاری نوین، اداره‌های مراجعه (به‌ویژه دارایی، استانداری، بانک‌ها، شهرداری و...)، مراکز فرهنگی و مذهبی (مسجد جامع و مساجد شهری و ناحیه‌ای، مصلا و موزه‌ها) و مراکز خدماتی (هتل‌ها، مهمان‌پذیرها، رستوران‌ها و محورهای

خدماتی؛ مانند فردوسی، تربیت، بازار، جمهوری، چای کنار و...، مراکز ترافیکی (پایانه دورن شهری محقق، پارکینگ‌های طبقاتی، ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی).

این محدوده علی‌رغم نقاط قوت متعدد، از نظر غنای کالبدی و عملکردی و خودکفابودن در پاسخ‌دهی به نیازهای مراجعان، نقاط ضعف متعددی دارد (جدول شماره ۵): آلودگی صوتی، آلودگی آب‌وهوا و کمبود پارکینگ و کمبود مبلمان شهری و مکان‌های استراحت موقت برای مراجعان در این محدوده بسیار مشهود است. در طرح کاربری پیشنهادی این منطقه به فضای سبز و باز که سرزندگی و آسایش و راحتی را تقویت می‌کنند کم‌توجهی شده است. در بُعد خدماتی، به واحدهای خدماتی ریزدانه که می‌تواند در محدوده تاریخی با پیچیدگی‌های خاص راهگشا باشد، توجه نشده است. شبکه پیاده‌راهی که می‌تواند در این محدوده تاریخی سهولت تردد پیاده‌ها را افزایش دهد، وجود ندارد. این پیاده‌راه‌ها در خیابان‌های مقصودیه، راسته کوچه، کبود، دارایی، بازار، گجیل و... می‌تواند برنامه‌ریزی و طراحی شود. تغییرات در این طرح، محدود به فلکه بیضوی در چهارراه منصور (معروف به پروژه عتیق) است که با تخریب بافت تاریخی با هدف نوسازی بافت فرسوده و تسهیل حرکت سواره و بی‌توجهی به پیاده در این محدوده انجام شده است؛ احداث برج در جنوب فلکه، گودال باغچه با بناهای تجاری مدرن در پیرامون و... در این طرح به احیای روخانه مهران‌رود و نقش آن در تأمین آسایش و راحتی شهروندان توجه چندانی نشده است.

جدول ۶. مشکلات منطقه ۸ تبریز، محدوده بازار تاریخی از نظر کیفیت آسایش و راحتی (نگارنده)

ابعاد	سرانه	نمودهای آسایش و راحتی	موانع آسایش و راحتی
دسترسی و حمل و نقل	۲۲٪	مسیرهای سرپوشیده پیاده‌مدار بازار تاریخی	مسیرهای یک‌طرفه، کمبود پارکینگ، تراکم ماشین‌ها و گرفتگی ترافیکی
		وجود پیاده‌راه تربیت	پلهای هوایی پیاده و سواره، سروصدای مزاحم و آزاردهنده، دشواری تردد برای گروه‌های کم‌توان
طبیعی و	۸۳٪	تعادل دمایی و آسایش	کمبود فضاهای سبز و باز شهری، سرانه

زیست محیطی	اقلیمی در بازار تاریخی		پایین فضای سبز، نیاز مبرم به فضاهای سبز
	استفاده از مصالح بومی و طبیعی		مشکل آسایش اقلیمی در فضاهای سر باز، احساس ناراحتی به دلیل کمبود گیاه و آب
			آلودگی صوتی آزاردهنده
خدمات شهری	خودکفایی مجموعه بازار تاریخی از نظر خدمات (مذهبی و بهداشتی و...)	۱۴٪ ۹۵	تراکم فعالیتی بالا، سرانه پایین تأسیسات و تجهیزات شهری، کمبود سرویس بهداشتی در محدوده، کمبود مبلمان شهری در محدوده
اجتماعی و فرهنگی	وجود تعداد زیاد مساجد در محدوده	۲۸٪	نپذیرفتن فرهنگ‌ها و زبان‌های دیگر از سوی مردم؛ کم‌توجهی به گردشگران و غیربومیان
	حس مکان و حس تعلق خاطر قوی		کاهش تدریجی شأن اجتماعی محلات قدیمی و تاریخی شهر
	حس همبستگی اجتماعی		

حرج و مشقت در مسائل فرهنگی و اجتماعی: آسایش و دشواری در بُعد فرهنگی و اجتماعی، مصادیق مثبت و منفی متعددی را شامل می‌شود. از نمونه‌ها و مصادیق مثبت در شهر تبریز می‌توان به این موارد اشاره کرد: حس مکان قوی در شهر و محل زندگی خود توسط شهروندان، همبستگی اجتماعی و بافت اجتماعی همگن، آیین‌ها و مراسم قوی مذهبی، قومی و فرهنگی، کمبود فضاهای آموزشی محلی و شعاع نامطلوب آن‌ها، توجه وافر به زبان آذری به عنوان یکی از مهمترین ابعاد هویت اجتماعی و فرهنگی، توانایی‌های مثال‌زدنی شهروندان در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی (روابط اجتماعی، آشپزی، خانه‌داری، تلاش و کوشش و...).

از طرفی دیگر، عوامل و نمونه‌های مخمل آسایش و راحتی مواردی به این شرح به چشم می‌خورد:

نپذیرفتن فرهنگ‌ها و زبان‌های دیگر از سوی مردم (بیگانه‌گریزی و شکل‌نگرفتن تبریز به‌عنوان شهر چند فرهنگی)، کاهش تدریجی شأن اجتماعی محلات قدیمی و تاریخی شهر و تمایل جمعیت بومی به خروج از آن‌ها و جایگزینی اقشار فرودست و بدون تعلق خاطر به این محلات، کمبود فضاهای شهری ایمن و امن و سرزنده متناسب با نیازهای جمعیتی شهر تبریز، گسترش حاشیه‌نشینی و محلات فقیرنشین در شهر و پایین‌بودن سطح و سرانه خدمات عمومی و رفاهی در آن‌ها، دوقطبی‌شدن شهر و دونیمه‌شدن آن به‌لحاظ سطح توسعه‌یافتگی و شکل‌گیری تبریز نو در شرق و تبریز کهنه در غرب، رشد تدریجی آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه در محلات فقیرنشین شهر و وجود محلات بحرانی از نظر خریدوفروش و مصرف مواد مخدر.

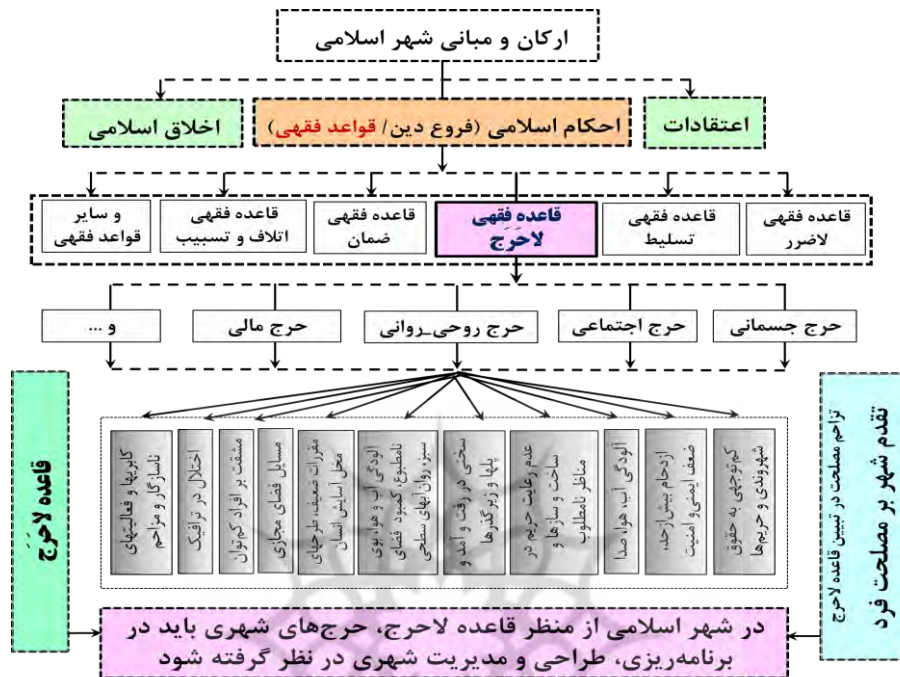
۶. تزامم مصلحت و نفی حرج در شهر و مدیریت شهری

از جمله موارد باب تزامم، مواردی است که مصلحت فرد (یعنی حکمی که به‌دلیل مصلحت فرد است) با مصلحت اجتماع تزامم و تعارض پیدا می‌کند. البته در همه موارد این‌طور نیست، ولی گاهی پیش می‌آید که مصلحت فرد با مصلحت جمع تعارض پیدا می‌کند. خیلی واضح است که برای اسلام همه افراد یکسان هستند، ولی وقتی که پای [ترجیح] مصلحت یک فرد یا مصلحت جمع در میان است، بدیهی است که آن جمع، همین فرد است به‌علاوه هزارها یا میلیون‌ها نفر افراد دیگر؛ یعنی مصلحت فرد در آنجا هزارها یا میلیون‌ها برابر شده است. [در اینجا] فرد را فدای جمع می‌کند (مطهری، ۱۷). یافته‌های جدید دانش اصول حاکی است که تنها مرجع مطمئن در تزامم، احکام قانون اهم و مهم است. قانون اهم و مهم که مبتنی بر مصالح احکام است، بیان می‌کند که اگر در نزد شارع مالک یکی از دو حکم، از مالک حکم دیگر قوی‌تر باشد، همان حکم بر حکم دیگر مقدم می‌شود. یکی از مصادیق قانون اهم و مهم همان قانون دفع افسد به فاسد است که چیزی جز اهمیت‌سنجی اعمال حرام نیست. بنابراین ماهیت قانون اهم و مهم همان تشخیص مصلحت و مفسده موجود در احکام و سنجش آن‌ها با یکدیگر است (جزایری و عشایری منفرد، ۲۶). حق گاهی با یک حکم صرفاً شرعی که در بردارنده حق الناس نیست و گاهی هم با یک حق دیگر تنافی می‌یابد که حالات مختلف آن عبارت‌اند از: الف. تقدیم حق الناس بر حق الله، ب. تقدیم حق الله بر حق الناس، ج. تفصیل بین موارد (همان، ۳۲ تا ۳۳). تزامم مصلحت در باب حرج‌های شهری می‌تواند در همان انواع حرج‌های شهری و مصادیق آن‌ها در قالب تقدم مصلحت اجتماع بر مصلحت فرد تبیین شود که در قالب جدول شماره ۷ در خور ملاحظه است.

جدول ۷. تزاخم مصلحت در مقیاس زندگی شهری و مدیریت شهری (نگارنده)

تزاخم مصلحت		مصادیق حرج در مقیاس زندگی شهری و مدیریت شهری	ابعاد حرج
تقدم حمل و نقل عمومی بر خصوصی	تقدم مصلحت اجتماع بر مصلحت فرد	اختلال در ترافیک سواره، ازدحام پیادگان، بوروکراسی، مسائل فضای مجازی، تضییع حقوق شهروندی، مشقت برای معلولان	حرج اجتماعی
تقدم حقوق افراد کم توان		شیوع بیماری های همه گیر، نایمن بودن بناهای عمومی به ویژه در سوانح و بحران ها (سیل، زلزله، طوفان و...)، آلودگی آب و هوا و صدا	حرج جسمانی
محدودیت های حضور در فضاهای عمومی، ایمن سازی بناها و فضاها، تدابیر ویژه رفع آلودگی ها		ترس و ناامنی در بناها و فضاهای عمومی، استرس های محیطی	حرج روحی روانی
کنترل و اتخاذ مقررات و محدودیت های لازم		دلالی و بی نظمی اقتصادی، اتلاف سرمایه عمومی، واسطه گرای	حرج مالی
سامان دهی، تقدم راحتی اجتماع بر فرد			

به طور کلی با توجه به تحلیل مبانی، مصادیق و ابعاد مختلف حرج های شهری و جایگاه آن در شهر می توان گفت که شهر اسلامی محل تجلی احکام الهی و قواعد فقهی است. یکی از این قواعد، قاعده لاجرح است که به حرج های جسمانی، روحی و روانی، اجتماعی، مالی و... می پردازد. در شهر اسلامی از منظر قاعده لاجرح، حرج های شهری باید در برنامه ریزی، طراحی و مدیریت شهری در نظر گرفته شود؛ چنان که اولاً حرج های شهری زمینه نقش احکام الهی و سایر قواعد فقهی نباشند؛ ثانیاً حرج های شهری مانع انجام تکالیف شرعی نباشند. در کنار این مسائل و حرج های شهری، مسئله تزاخم مصلحت و نفی حرج در زندگی شهری و مدیریت شهری هم ایجاب می کند که مصلحت اجتماع بر مصلحت فرد مقدم است. همچنین مرجع تشخیص قواعد فقهی در شهر و شهرسازی و حرج های شهری بایستی توسط متخصص معماری و شهرسازی مسلط به قواعد فقهی باشد. البته تربیت معماران و شهرسازان مسلط به قواعد فقهی نیازمند آموزش نزد فقیهان آشنا به معماری و شهرسازی هست و ارتباط دوطرفه دانشگاه و حوزه در این خصوص ضروری است.



شکل ۸. ابعاد و مصادیق حرج‌های شهری در مقیاس زندگی شهری و مدیریت شهری (نگارنده)

نتیجه‌گیری

قاعده عسرو حرج از قوانین اسلامی است و این قانون مانند تمام قوانین دیگر برای رفاه بشر است. این موضوع در آیات متعدد قرآن کریم در نفی دشواری و سختی برای انسان و نیز روایات متعدد بر آن تأکید شده است. در معماری و شهرسازی اسلامی علاوه بر کیفیت‌های عام و خاص طراحی شهری، بر رعایت حریم و اشرافیت، رعایت حقوق خداوند و مخلوقات (قاعده لاضرر) و... تأکید می‌شود. در حوزه طراحی شهری می‌توان در نمونه‌های موردی، ضمن محک اسلامی و آزمون قاعده نفی عسرو حرج در شهر، محله، فضای شهری به ارزیابی و تحلیل آن پرداخت و در راستای ارتقای کیفیت مذکور اقدام کرد. در نمونه موردی شهر تبریز، برای امر کیفیت آسایش و راحتی، نقاط قوت و ضعف متعددی مشاهده شد که در ابعاد کالبدی، حمل و نقل، محیط زیست، کاربری و فعالیت، فرهنگی و اجتماعی، مدیریت شهری، خدمات و زیرساخت‌های شهری به آن پرداخته شد.

به‌طور کلی می‌توان گفت قاعده لاجرح در شهرسازی اسلامی می‌تواند حرج‌های جسمانی، اجتماعی،

روحي و رواني، مالي و... را شامل شود. آزمون اين قاعده در هر فضايي مي‌تواند به روشن شدن وضعيت آن و ارائه راهكارهاي عملي راهگشا باشد. راهبردهاي معطوف به قاعده نفي عسرو حرج در برنامه‌ريزي و طراحي شهرهاي ايراني اسلامي عبارت‌اند از: توجه به آسايش و راحتي شهروندان در برنامه‌ريزي و طراحي خانه‌ها و محلات مسكوني (پرهيز از احداث آپارتمان‌هاي بدون پاركنيگ، آسانسور، حياط و فضاي سبز و...)، پرهيز از ايجاد شهرك‌هاي مسكوني در فاصله دور از مركز شهر و مراكز كار و تحصيل و اشتغال شهروندان، رعايت فاصله مناسب بين خانه و كار و تحصيل، توجه به راحتي، آسايش و آرامش اقشار سني و جنسي كم‌توان (زنان، كودكان، معلولان، سالمندان، بيماران) در طراحي فضاهاي شهري و مبلمان شهري و خدمات رفاهي، توجه به آسايش و آرامش شهروندان در برنامه‌ريزي و طراحي بناها و فضاهاي عمومي (نظير بازارها، پارك‌ها، مراكز بهداشتي و درماني، ادارات و مدارس)، ايجاد فضاهاي شهري آرامش‌بخش با استفاده از الكوي باغ ايراني، حضور آب و گياه، رنگ‌هاي آرامش‌بخش (مسئله آلودگي صوتي فضاهاي شهري سواره‌مدار و استرس‌زا با رويكرد نفي عسرو حرج حل شود)، جلوگيري از رشد بيش از حد شهرها و حومه آن‌ها به دليل دشواري خدمات‌رساني، مديريت و تردد به آن بافت‌ها، بازنگري در مباني و مقررات برنامه‌ريزي و طراحي شهري، طرح‌هاي شهري با رويكرد آسايش و آرامش‌بخشي و تحقق قاعده نفي عسرو حرج، بازنگري در مقررات ملي ساختمان و قوانين شهرداري‌ها با هدف ارتقاي آسايش و آرامش در بناها و فضاهي و تحقق قاعده نفي عسرو حرج در كالبد شهري، بازشناسي آسايش‌هاي اجتماعي (به‌ويژه حاشيه‌نشيني، فقر و بيكاري و فضاهي ناامن) با هدف حل ريشه‌اي اين مسائل و جلوگيري از بازتوليد مسائل ديگر شهري.

منابع

- قرآن كريم، ترجمه محمد مهدي فولادوند
- احمدزاده، عبدالمطلب و ديگران، «كاربرد قواعد فقهی (نظير قاعده نفي حرج و قاعده غرور) در عصر ارتباطات»، فصلنامه علوم خبري، س ۴، ش ۱۴، ۱۳۹۴، صص ۱۱۷ تا ۱۵۰.
- بجنوردي، حسن، القواعد الفقهية، قم: اسماعيليان، بي‌تا.
- تابنده، زهرا، «بررسی قاعده عسرو حرج از دیدگاه قرآن و حدیث»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی، تهران: دانشکده اصول‌الدين تهران، ۱۳۹۰.
- جزايري، سيدحميد؛ محمد عشائري منفرد، «قلمرو مصلحت و عدالت در تراحم احكام و حقوق زنان»، فصلنامه مطالعات راهبردي زنان، س ۱۴، ش ۵۴، ۱۳۹۰، صص ۷ تا ۵۸.

- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- شريف الرضى، محمدبن حسين، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، تهران: سنا، ۱۳۸۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دار العلم، ۱۴۱۲ق.
- شاهین فرد، خاطره و دیگران، «شمول پذیری قاعده لاجرح نسبت به حرج های غیر جسمانی و پیامدهای فقهی آن»، نشریه فقه پزشکی، س ۸، ش ۲۶ و ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۲۶۱ تا ۲۶۵.
- _____، «گستره مفهومی قاعده نفی عسرو حرج در ابواب فقهی و نسبت آن با واژه های مشابه»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، س ۱۰، ش ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۶۷ تا ۷۳.
- علوی گنابادی، سیدجعفر؛ علی اکبر حبیبی مهر، «کاوشی در حلّ نسبت تعارض نمایی قاعده الحرج با اعمال حرجی اسلام پاسخ ها و تحلیل ها»، نشریه فقه و اصول، س ۵۲، ش ۳، ۱۳۹۹، صص ۷۳ تا ۹۱.
- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیه السلام، ۱۳۶۳.
- محسنی، رضاعلی، «اولویت بندی آسیب ها و مسائل شهری در ایران: مطالعه موردی شهر گرگان»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، س ۳، ش ۳، ۱۳۸۸، صص ۲۳ تا ۴۲.
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقهی، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- مطهری، مرتضی، اسلام و نیازهای زمان، ج ۲، تهران: صدرا، ۱۳۹۱.
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهية، چاپ چهارم، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، ۱۰۱۶ق.
- موسوی، سیدابراهیم، «قاعده نفی عسرو حرج»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوقی و قضایی دادگستری، س ۶۵، ش ۳۴، ۱۳۸۰، صص ۳۳ تا ۵۰.
- نراقی، احمدبن محمد مهدی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- نقره کار، عبدالحمید، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، چاپ اول، بی جا: وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۸۷.